

متن پرسش

بازخوانی هویت دینی و ملی. محضر طربناک استاد سلام و درود: در فلسفه غرب اصل معروفی از راسل هست که می‌گوید: من گوساله همسایه ام را نمی‌دزدم تا او گاو مرا نذرد. و بسیاری از اندیشمندان ما از جمله شما این جمله راسل را نمونه واضحی از انحطاط غرب می‌دانید که در رعایت اصول خود نیز ریشه ای اومانیستی دارند. حال شما در صحبتی که حضورا با خود بنده داشتید فرمودید: مراقب باش که دغدغه های جهانی و تاریخی ات در حد اخلاقی افول نکند که مثلا از سر دلسوزی بخواهی کاری برای دیگران انجام دهی و مراقب باش این دغدغه ها در راستای بهترین نحوه بودن خودت باشد. حال سوال اینجاست که تفاوت ساحت جمله راسل با فرمایشات شما در چیست؟ آیا هر دو نوعی خودبینی و نظر به خود نیست؟ و مگر وجود پیامبر اسلام آنقدر دلسوز و حریص به هدایت و کمک به بشریت نبود؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: از جمله آقای راسل نوعی معامله‌گری و حفظ آناتیت در تنگنای خودخواهی در میان است. ولی وقتی به «بودن» خود نظر کنیم، با حضور بیکرانه اکنون جاودانه خود روبرو خواهیم بود و این به گفته جناب آقای دکتر داوری: «مردمان در عالم خود آنچه هستند، می‌شوند و باید به نسبتی که با عالم دارند، آگاهی داشته باشند» (پیام دکتر داوری به همایش آینده فلسفه در ایران، در ۱۹ آبان ۱۴۰۰). موفق باشید